

مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

سال تحصیلی ۱۴۰۳-۰۴



مرحله اول

پایه دهم

نام درس	مباحث	از صفحه	تا صفحه	مؤلف	ویراستار
منطق	درس ۱ صفحه ۱ تا ۱۰	۲	۴	مجید پیرحسینلو	شیر قنبری محمدحسین غلامی

ویژه کنکوری های ۱۴۰۴



♦♦ درس نخست: منطق، ترازوی اندیشه ♦♦

– منطق چیست؟ –

منطق: علم جلوگیری از خطاهای اندیشه
خطای اندیشه: مغالطه (سفسطه) (حال این خطا عمدی باشد یا غیرعمدی)
مغالطه مثل مرض و بیماری است و کار منطق مانند دانش پزشکی.
همان گونه که در علم پزشکی انواع بیماری‌ها و روش‌های پیشگیری و درمان آن‌ها را بیان می‌کنند، در علم منطق نیز به همراه بیان قوانین حاکم بر ذهن (دسته‌بندی و توضیح قواعد ذهن)، روش‌های جلوگیری از مغالطات را بیان می‌کنند.

نکته

تأکید منطق: آموزش روش درست فکر کردن ← تواناشدن ما برای شناسایی خطای ذهن (خطاهای ذهن بی شمارند).

منطق از کجا آمده است؟!

کار خودبه‌خودی ذهن انسان بر طبق یک دسته قانون ← کشف این قانون‌ها توسط منطق‌دان + منظم و مرتب کردن آن‌ها ← منطق
(انسان به صورت طبیعی منطقی رفتار می‌کند و از قواعد منطقی در زندگی استفاده می‌کند حتی اگر نام آن‌ها را نداند).

نکته

قواعد و قوانین منطق را کشف کرده‌اند نه، ابداع و اختراع.

چرایی لزوم یادگیری منطق در عین این‌که برگرفته از ذهن خودمان است:
در خطر لغزش همیشگی قراردادن ذهن (معمولاً در استدلال‌های پیچیده یا تعریف دقیق اصطلاحات خاص) ← به‌کارگیری علم منطق
(دسته‌بندی و توضیح قواعد ذهن) ← تشخیص سریع‌تر و دقیق‌تر عوامل لغزش و خطای ذهن

نیازمند تمرین و تکرار برای کسب مهارت

کاربردی و مهارتی بودن منطق
(نه صرفاً خواندنی بودن)

به کار بستن (و نه دانستن خالی) باعث جلوگیری از خطای فکر

منطق، ابراز علوم دیگر است و نه جانشین آن‌ها (مثال: در حرکت خودرو ← نشانگر خودرو ≠ نیروی محرک خودرو / در ساختمان‌سازی
← تراز (شاقول در قدیم) ≠ آجر، سیمان و ...)
مصالح ساختمان اندیشه از علوم دیگر می‌آید و منطق باعث استحکام بناست.

صحبت با دوستان و دلیل آوردن برای متقاعدکردنشان

کوشش برای دچار خطا نشدن در تعلیم و تعلم

جلوگیری از فریب‌خوردن در دادوستد

در برخورد با رسانه‌ها و آگهی‌های تجاری

برای فهم فلسفه

حیطه کاربرد منطق: همه
زندگی انسان از جمله

دو بخش اصلی منطق: ۱) تعریف ۲) استدلال

تصور

علم و دانش بشری

تصدیق

مروارثه آزمون آزمایشی خیلی سبز



تصور، صورتی از شیء است که در ذهن ایجاد می‌شود. منظور از صورت، تصویر نیست و نوعی برداشت و درک ما از آن شیء است. چیزهایی که می‌بینیم، بوهایی که استشمام می‌کنیم و صداها و مزه‌ها و هر چیزی که با حواس پنج‌گانه درک می‌کنیم، در ذهن ما اثری ایجاد می‌کنند که بعداً که آن شیء در دسترسمان نیست باز به یادمان می‌آید. به این اثر در درون ذهن، تصور می‌گوییم.



تصور

تصور در سخن ما به صورت کلمه یا مجموعه‌ای از کلمات که خبر کامل نمی‌دهند، ظاهر می‌شود؛ مانند: سیب، گلابی، درخت و ...
در تصویری که در ذهن داریم به خودی خود به وجود داشتن یا وجود نداشتن آن و ارتباطش با تصورات دیگر کاری نداریم.
انواع اطلاعاتی که از حواس ظاهری (بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و بساوی) وارد ذهن انسان می‌شود و حکم و قضاوتی در آن نیست، تصورند؛ مانند: عطر یک گل خوشبو، مزه یک میوه و ...

نکته ۱ در سطح کتاب شما این موارد به یک معنا هستند: تصور = مفهوم = معنا = صورت ذهنی = ادراک ساده بدون خبر و حکم کردن.

نکته ۲ مفاهیم انتزاعی که تصویر ندارند (اساساً در خارج از ذهن وجود ندارند) هم تصور هستند؛ مانند: نیستی، واجب بودن، حرام بودن و ... (خود واجب بودن وجود خارجی ندارد، بلکه امر واجب داریم، مثل نماز).

نکته ۳ جملات انشایی هم تصور به حساب می‌آیند (مربوط به درس ششم).

نکته ۴ جملات خبری ناقص، تصور هستند؛ مانند: آن قصر که با چرخ همی زد پهلوی بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر / خیابانی که در آن زندگی می‌کنیم و ...

تصدیق یک جمله خبری است. خبر باید کامل باشد، هر چند جمله بسیار کوتاه باشد؛ مثلاً: من آمدم. یک تصدیق است و خبر کامل است.

۱) چیزی (صفی) را به چیزی نسبت می‌دهیم؛ مثل: هوا سرد است (سرد بودن را به هوا نسبت می‌دهیم).
تهران پایتخت ایران است (پایتخت ایران بودن را به تهران نسبت می‌دهیم). به عبارت دیگر حکم می‌دهیم هوا سرد است یا تهران پایتخت ایران است.

۲) یا چیزی (صفی) را از چیزی سلب می‌کنیم؛ مثل: مثلث چهار ضلع ندارد (چهار ضلع داشتن را از مثلث سلب کرده‌ایم؛ یعنی می‌گوییم آن را ندارد). هوا بارانی نیست (بارانی بودن را از هوا سلب کرده‌ایم، یعنی می‌گوییم هوا این صفت را ندارد).

نکته ۱ در سطح کتاب شما: تصدیق = جمله خبری = قضیه = ادراک به همراه حکم و قضاوت

نکته ۲ کلمه تصدیق در این بحث، به معنای تأیید نیست.

نکته ۳ استفاده از انکاری نوعی تصدیق منفی است (سلب چیزی از چیزی)؛ مانند: کجا دانند حال ما سبکبالان ساحل‌ها؟ (= سبکبالان ساحل‌ها حال ما را نمی‌دانند).

نکته ۴ گاهی فعل یک جمله خبری (تصدیق) به جهتی (مثلاً در شعر) حذف می‌شود. در این حالت باید توجه داشت باز هم یک تصدیق است؛ مانند: این جهان زندان و ما زندانیان (این جهان زندان است و ما زندانیان آن هستیم).

اگر کسی یک تصور را در ذهنش نداشته باشد، اصطلاحاً آن تصور برایش مجهول است. باید با کنار هم قراردادن تصوراتی که در ذهنش دارد (برایش معلوم است) چهل او را برطرف کنیم؛ مثلاً اگر تبلت، تصور مجهولی برایش باشد به او می‌گوییم:

وسيله‌ای الکترونیکی که دارای صفحه لمسی است و ...
تصور تصور تصور

تعریف

با چندتا تصور معلوم (شناخته‌شده)، تصور مجهول (ناشناخته) را هم معلوم کردیم. به این کار در منطق می‌گوییم تعریف.

(تصور معلوم + تصور معلوم + تصور معلوم + ... → تصور مجهول → تصور معلوم)

پس تعریف یعنی معلوم کردن تصور مجهول با استفاده از تصور (تصورهای) معلوم



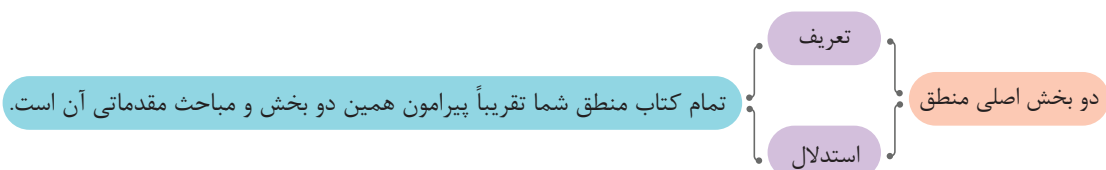
← (تصدیق مجهول یعنی جمله‌ای خبری که درستی و واقعیت داشتن آن اثبات نشده است؛ پس تصدیق مجهول، یک ادعای اثبات نشده است و تصدیق معلوم یک ادعای اثبات شده.)

← برای معلوم کردن یک تصدیق مجهول، چند تصدیق معلوم را کنار هم می‌گذاریم تا آن را هم معلوم کنیم؛ یعنی چند تصدیق را می‌آوریم تا آن تصدیق مجهول را که صرفاً ادعا بود، اثبات کنیم؛ مثال: فرض کنیم که تصدیق «شستن دست‌ها با صابون برای سلامتی و طول عمر انسان مفید است.» برای فردی مجهول است. برای معلوم کردن آن، می‌توان این‌طور گفت: (۱) مطالعات نشان می‌دهد که شستن دست‌ها با صابون، مرگ‌ومیر ناشی از اسهال را تقریباً تا ۵۰ درصد کاهش می‌دهد. (تصدیق معلوم) (۲) مطالعات نشان می‌دهد که شستن دست‌ها با صابون، مرگ‌ومیر ناشی از عفونت‌های حاد تنفسی را تقریباً تا ۲۵ درصد کاهش می‌دهد. (تصدیق معلوم) خب پس نتیجه می‌گیریم: شستن دست‌ها با صابون برای سلامتی و طول عمر انسان مفید است.

استدلال

← این روند معلوم کردن تصدیق مجهول به وسیله تصدیق‌های معلوم را استدلال می‌نامیم؛ پس هر جا برای یک جمله خبری (تصدیق) دلیل مطرح شد، با یک استدلال مواجه هستیم.

(تصدیق معلوم + تصدیق معلوم + تصدیق معلوم + ... ← تصدیق مجهول ← تصدیق معلوم)



نکته بسیار مهم این دو مورد را با هم اشتباه نگیرید:



نکته دیگر: اقسام جهل هم مانند اقسام علم، تصور و تصدیق است. تصور مجهول یعنی صورت ذهنی‌ای که در ذهنمان نداریم. تصدیق مجهول، جمله خبری‌ای است که به درستی‌اش باور نداریم.